

گفت‌وگو با عوامل نمایش کورش

اسطوره‌های ایرانی؛ حلقه پیوند نسل امروز

روایتی از هویت یک ملت و رنج‌های ناگفته تاریخ

سروین دهقان
گفت‌وگو

نمایش «کورش» به کارگردانی نادر برهانی‌مرند، تلاشی برای بازخوانی یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های تاریخ ایران در قالبی دراماتیک است؛ روایتی که در کنار شکوه تاریخی و جایگاه ملی کورش، به لایه‌های کمتر دیده‌شده انسانی و عاطفی زندگی او نیز می‌پردازد. امیرحسین شفیعی، تهیه‌کننده این اثر، از ضرورت بازگشت تئاتر ایران به قهرمانان ملی، چالش‌های اقتصادی تولید آثار بزرگ نمایشی و نقش هویت تاریخی در پیوند جامعه می‌گوید و باران نیکراه، بازیگر نقش ماندانا، از دریچه رنج یک مادر به تاریخ می‌نگرد؛ مادری که فرزندش را دوباره می‌یابد، اما فرصت تجربه کودکی او را از دست داده است.









امیرحسین شفیعی، تهیه‌کننده:

سال‌ها به قهرمانان ملی‌مان پشت کردیم؛ حالا وقت جبران است

امیرحسین شفیعی، تهیه‌کننده و فعال حوزه تئاتر، معتقد است پرداختن به قهرمانان ملی و اسطوره‌های ایرانی، ضرورتی است که تئاتر ایران سال‌ها از آن غفلت کرده است. او که تهیه‌کنندگی نمایش «کورش» را برعهده داشته، در گفت‌وگو با روزنامه صبا از دلایل پیوستن به این پروژه، چالش‌های اقتصادی تولید آثار بزرگ نمایشی، نسبت میان شکوه بصری و خلاقیت هنری، ضرورت توجه به مخاطب نسل جوان و نقش اسطوره‌های ایرانی در تقویت هویت جمعی سخن می‌گوید. شفیعی تاکید دارد که هویت تاریخی و فرهنگی ایران، ظرفیتی فراتر از مرزبندی‌های فکری و اجتماعی دارد و می‌تواند زمینه‌ساز نزدیکی و همدلی میان ایرانیان باشد.

○در کارنامه شما تجربه‌هایی در زمینه کارگردانی، تهیه‌کنندگی و مدیریت رویدادهای تئاتری دیده می‌شود. چه عاملی باعث شد مسئولیت تهیه‌کنندگی نمایش «کورش» را بپذیرید؟

من از جمله تهیه‌کنندگانی هستم که به‌تدریج و از دل فضای تئاتر وارد عرصه تهیه و تولید شده‌ام. تجربه‌های کارگردانی و فعالیت‌های اجرایی‌ام در تئاتر، زمینه‌ای فراهم کرد تا به حوزه تهیه‌کنندگی نیز ورود کنم. درباره نمایش «کورش»، آنچه در وهله نخست برای من اهمیت داشت، اصالت این پروژه از چند جهت بود.

با اثری مواجه بودیم که پشتوانه مؤلف داشت؛ هم در حوزه نمایشنامه‌نویسی و هم در کارگردانی، با هنرمندی روبه‌رو بودیم که سال‌ها تجربه حضور در فضای تئاتر و اجرای آثار نمایشی را داشت. از طرف دیگر، خود موضوع و شخصیت محوری نمایش نیز برای من اهمیت ویژه‌ای داشت. شخصیت کورش و ظرفیت‌های تاریخی و دراماتیک او، این پروژه را به اثری متمایز تبدیل می‌کرد.

من زمانی به‌عنوان تهیه‌کننده به پروژه پیوستم که نمایشنامه آماده شده بود و آقای برهانی در مرحله‌ای قرار داشت که برای پیشبرد اثر به همراهی یک مجموعه، کمپانی یا تهیه‌کننده نیاز داشت. در نهایت، زمینه همکاری مشترک ما فراهم شد. اصالت گروه، تجربه‌های گذشته اعضای آن و همچنین توافق‌هایی که برای شکل‌گیری یک همکاری حرفه‌ای انجام دادیم، همه دست به دست هم داد تا مسئولیت تهیه‌کنندگی این نمایش را بپذیرم.

○نمایش «کورش» در شکل امروزی خود چقدر حاصل نگاه کارگردان و چقدر محصول امکانات و تصمیم‌های تهیه‌کننده است؟

واقعیت این است که آقای برهانی‌مرند رؤیای بزرگی برای اجرای این نمایش داشتند؛ رؤیایی که از ابتدا با سالن‌های بزرگ، از جمله تالار وحدت، و بهره‌گیری از امکاناتی مانند ماشینری صحنه، دکور گسترده و موسیقی زنده همراه بود. اما این رؤیا در برخورد با واقعیت‌های تولید یک اثر نمایشی، به شکل اولیه قابل تحقق نبود.

یکی از دلایل این مسئله، در اختیار قرار نگرفتن تالار وحدت برای اجرای نمایش بود. از طرف دیگر، شخصاً علاقه‌مند بودم این اثر در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه برود. همان‌طور که از ابتدا هم اشاره کردم، برای من اصالت اهمیت زیادی داشت و معتقدم خود مجموعه تئاتر شهر نیز از اصالت و هویت ویژه‌ای برخوردار است. این ویژگی با ماهیت و فضای نمایش «کورش» همخوانی داشت.

از سوی دیگر، بودجه و هزینه‌ای که برای تولید اثر پیش‌بینی کرده بودیم، امکان اجرای آن با تمام امکانات و ابعاد اولیه موردنظر را فراهم نمی‌کرد. بنابراین، با تعامل میان گروه تهیه‌کنندگی و گروه کارگردانی، به جمع‌بندی رسیدیم که نمایش در مجموعه تئاتر شهر اجرا شود.

البته باید به نکته مهمی اشاره کنم. مجموعه هنرمندانی که در این پروژه حضور داشتند، با نهایت مهربانی و همراهی کنار ما ایستادند. برخلاف فضای بعضاً تجاری و مناسباتی که این روزها در بخشی از تئاتر شاهد آن هستیم، اعضای گروه با دستمزدهای متعادل و با درک شرایط تولید، در بخش‌های مختلف هنری و فنی همکاری کردند. این همراهی برای من بسیار ارزشمند بود و معتقدم یکی از سرمایه‌های اصلی این پروژه، همین همدلی و همراهی گروه بود.

○اگر بخواهید شفاف‌تر درباره اقتصاد تولید نمایش «کورش» صحبت کنید، بزرگ‌ترین هزینه پنهان یا چالش مالی این پروژه چه بود؟

به نظر من بزرگ‌ترین چالش اقتصادی تولید آثار نمایشی در شرایط فعلی، تورم است. شما زمانی که برای تولید یک اثر نمایشی برآورد مالی انجام می‌دهید، قیمت‌ها بر اساس شرایط همان روز محاسبه می‌شوند؛ اما از زمان برآورد تا ورود به مرحله خرید تجهیزات، عقد قراردادها و اجرای پروژه، ممکن است قیمت‌ها به شکل قابل توجهی تغییر کنند. این مسئله یکی از جدی‌ترین مشکلات تهیه‌کنندگان تئاتر است.

در نمایش «کورش» نیز بخش قابل توجهی از هزینه‌ها به مسائل فنی، دکور، طراحی لباس، گریم و امکانات موردنیاز اجرا اختصاص پیدا کرد. برخلاف تصور عمومی که معمولاً دستمزد بازیگران را بزرگ‌ترین بخش هزینه یک نمایش می‌داند، در این پروژه هزینه‌های فنی و اجرایی سهم بسیار مهمی از بودجه را به خود اختصاص دادند.

نکته دیگری که باید صادقانه درباره آن صحبت کرد، عدم تناسب ظرفیت سالن‌های بزرگ با هزینه‌های تولید آثار نمایشی است. امروز حتی اگر تمام ظرفیت صندلی‌های یک سالن بزرگ در تمام اجراهای یک نمایش به فروش برسد، لزوماً درآمد حاصل از فروش بلیت نمی‌تواند مجموع هزینه‌های تولید را پوشش دهد.

برای مثال، اگر در تمام ۴۰ اجرای نمایش «کورش» همه صندلی‌ها با قیمت کامل به فروش برسند، باز هم درآمد حاصل از فروش بلیت الزاماً پاسخگوی تمام هزینه‌های تولید نخواهد بود. این واقعیتی است که باید آن را پذیرفت.

به همین دلیل است که همواره بزرگان تئاتر تأکید کرده‌اند این هنر برای ادامه حیات به حمایت دولت‌ها، شهرداری‌ها و نهادهای عمومی نیاز دارد. تئاتر صرفاً یک فعالیت تجاری نیست. اگر حمایت از تولید آثار نمایشی را کنار بگذاریم، به‌تدریج از محتوای ارزشمند و تولیدات خلاقانه نیز فاصله خواهیم گرفت.

○فرض کنیم اجرای نمایش «کورش» به پایان رسیده است. شما به‌عنوان تهیه‌کننده موفقیت این پروژه را با چه معیاری می‌سنجید؟ فروش گیشه، رضایت مخاطب یا رضایت گروه اجرایی؟

برای هر کسی که اثری را تولید می‌کند، رضایت مخاطب یکی از مهم‌ترین معیارهای موفقیت است. در نمایش «کورش» نیز مخاطبان از گروه‌های مختلف اجتماعی و سنی بودند و نمی‌توان گفت این نمایش صرفاً برای یک طیف خاص از مخاطبان جذابیت داشته است.

من گاهی پیش از اجرا به سالن سر می‌زنم و علاقه‌مندم